

روز دوشنبه دهم اردیبهشت ماه ۱۳۲۴ بنا بر اطلاع که از شورای فرهنگی بریتانیای کبیر رسیده بود جلسه مخصوصی در فرهنگستان ایران تشکیل شد و مستر «اون» نماینده شورای فرهنگی بریتانیا و خانم «هرنبی» مدیره عامل شورای فرهنگی در ساعت ۱۱ صبح در جلسه فرهنگستان حضور بهم رسانیده و ۲۱۳ جلد کتاب ادبی و تاریخی از اساتید زبان انگلیسی که مخصوصاً از لندن خواسته بودند به فرهنگستان هدیه نمودند. از طرف آقای سمیعی رئیس فرهنگستان با ابراز امتنان جلسه افتتاح و کتب مزبور پذیرفته شد. آقای اون بزبان فرانسه بیانات مبسوطی در باب اهمیت روابط فرهنگی میان ملل عالم و خدمات عمده اساتید علم و ادب بهمه نوع بشر بیان نمودند و پس از ایشان آقای دکتر امیراعلم نایب رئیس فرهنگستان بزبان فرانسه بیاناتی در ابراز امتنان از طرف اعضای فرهنگستان ایراد کردند.

ترجمه خطابه آقای اون نماینده شورای بریتانیا

امروز با نهایت مسرت بنام شورای بریتانیا در این فرهنگستان معظم حضور بهم رسانیده ام تا مقداری از تألیفات مردان و زنان مشهور ادبیات انگلیس را تقدیم کنم. این مردان و زنان انگلیس هر چند از مفاخر ملت خود هستند لکن جای آن دارند که بگوئیم از جمله مفاخر نوع بشر بشمارند اینها شعرا و هنرمندان و صاحبان تخیلات عالیه و افکار متعالیه بوده اند که بقول شاعر انگلیسی شلی قانون گذاران غیر رسمی عالم محسوب هستند.

یکی دیگر از شاعران انگلیسی بنام ویلیام بلیک گفته است بزرگترین مظهر روح انسانی قسوه اندیشه اوست و امتیاز او از دیگر حیوانات باندیشه است. انسان با شاهر خیال است که بجانب بهشت برین پرواز میکند و با همین نیروی معنوی است که بوئی از عالم دیگری که ماوراء محسوسات است بمشام او میرسد و از راز آن نشائی که فوق زمان و مکان است آگاه میشود. بقوه اندیشه است که بشر در صدد بیان و تعبیر حقایق ازلی بر میآید و در طول قریبهای متمادی در معرفی آنها می کوشد پس ما هر قدر در تجلیل و تکریم رجال و نسوانی که صاحبان خیال و اندیشه بوده اند بر آئیم باز حق آنها ادا نشده است زیرا که این بزرگان مظاهر

عقل کل و روح عالم هستند و در این جهان هیچ عمل درستی ظهور نمی یابد مگر آنکه منشاء آن تفکر صحیح باشد.

پیش از آنکه ما دنیائی بهتر ازین دنیائی که داریم طرح بیفکنیم باید نخست نقشه آن را در ذهن خود ترسیم کنیم. ما باید قلوب خود را بطوری از عشق و حرارت این جهان ذهنی مشتمل سازیم و بطوری این تصویر خیالی را در ذهن خود حاضر و محسوس قرار بدهیم که تاوقماً آن نقشه در این دنیای موجود خارجی تحقق نیابد دست از آن بر نداریم.

باید این شعله که در قلوب ما زبانه می کشد چنان دلهای ما را بسوزاند و همجنس خود کند که محالی برای خیالات فاسد و مخرب پیدا نشود و هیچ قوه نتواند آن افکار عالی را محو و زایل کند. راهی برای خود خواهی پست و حقیر و بیم و هراس و کبر و غرور باقی نماند.

این صفات سرچشمه دشمنی و ضدیت خلائق محسوب میشوند اینها عواملی هستند که ملل را در خون یکدیگر غوطه ور میسازند بجای دشت های سرسبز و خرم بیابانهای خشک برهنه بوجود میآورند و در نقاطی که باید مسکن مردمان صلح جو باشد بیغواه وحشت ویرانه های پردهشت جای گزین میسازند.

اندیشه نه تنها وسیله ارتباط و دوستی میان افراد يك ملت هم نژاد است بلکه واسطه محبت میان اقوام مختلف نیز هست پیش از آنکه تفاهم حقیقی میان دو ملت بوجود بیاید باید میان افرادی که ملل را تشکیل میدهند حسن تفاهم موجود شود این یگانگی اقوام مستلزم نفی ملیت های فردی نیست بلکه درعین اتحاد و برادری میان ملل آنها را در احترام ملیت خاصه خودشان نیز راسخ قدم تر میسازد.

هیچکس نمیتواند عالم را تغییر بدهد و آن را وطن خود سازد مگر آنکه میهن خود را که جزئی از عالم است دوست بدارد.

وطن پرستی حقیقی نامی غیر خود نیست وطن پرست واقعی آن است که بازاد و بوم خود عشق میورزد لکن سایر کشورها را نیز دوست میدارد چنانکه شاعر گوید:
خدا همه روی زمین را بهمه مردمان داده است تا آنها دوست بدارند.

ولی چون قلوب ما کوچک هستند

برای هر کس قسمتی از خاک

مرجح و محبوب میشود...

میهن پرست حقیقی وطن را دوست دارد نه برای خاطر او بلکه از این جهت که جزئی از همه عالم است چنین شخصی خود را تابع این قانون کلی قرار میدهد که همه مردم در هر جا باشند باید از نعمت آزادی بر خوردار شوند و یکدیگر را بهیچ عنوانی بنده خویش قرار ندهند چنین شخص خواه قوه نظم شعر داشته باشد یا نه شاعر محسوب میشود و صاحب اندیشه و تخیل است.

ایران هرگز از رجال وطن خواه و شاعر خالی نبوده است و هرگز از تجلیل این قبیل رجال فرو گذار نکرده است. ایران هیچوقت از احترام گذشته خود درعین امید بآینده غافل نمانده است این صفتی است که ما انگلیسها نیز در کشور خود با آن انس داریم و بحقیقت آن پی برده ایم.

در بریتانیای کبیر گذشته همواره نیرومند و مسلط است و سنت قدیم قوی و قاهر است ولی نه بحدی که ما را از ترقی باز بدارد بلکه با استعانت همین سنن قدیم است که ما قبل از آنکه قدم در مکان ناشناس و جدیدی بگذاریم زیر پای خود را با احتیاط مینگریم بطوری که پیش از ساختن بنائی از استحکام بنیان آن اطمینان حاصل می کنیم. ما هرگز این خیال مضحك را در سر خود راه نداده ایم که خواهیم توانست در ظرف یکروز مملکت خود را از نقص بکمال برسانیم ما میدانیم که پیوسته باید بطور استمرار و آهسته پیش رفت لکن متفکرین ملت ما همیشه خطی را که باید طی نماییم بمان نشان داده اند. با نور تخیلات خود آفاق حیات آتیه ما را روشن کرده اند و ما همواره کوشیده ایم که این خیالات نورانی را مبدل بحقایق محسوس نماییم. بهر اندازه که ما قدم پیش میگذاریم آن افق نیز دورتر میرود و ما برای حصول ترقی باید آن بزرگان و خیال پروران عظیم الشان را مقتدا پیشوای خود قرار بدهیم گاهی اتفاق افتاده است که در زمان حیات بقدری که شایسته بوده آنان را تجلیل نکرده ایم و بعد باین خیال افتاده ایم و بتدارك آن کوشیده ایم.

وظیفه افتخار آمیز فرهنگستان ایران است که مشعلی را که بزرگان و متفکرین شما در این کشور بر افروخته اند همواره مشتعل و منور نگاهدارد. این مشعلی است که پرتو آن نه تنها همه طول و عرض خاک ایران را روشن میکند بلکه موجب روشنائی همه عالم است، ایران مثل فرانسه عزیز سرزمین شاعران شهیر و صنعتگران بصیر است و مثل فرانسه نگاهبان این اصل اصیل تمدن است که از حیات و حقیقت و اندیشه ترکیب شده است.

من امروز قصد ندارم که در حضور شما از تطبیق ادبیات سخن برانم و بگویم که آثار ادبی يك ملت را با آثار دیگران بسنجم. ادبیات مثل علوم اختصاصی به کشوری که آنرا تولید کرده ندارد ادبیات هر ملتی تنها مال اونست بلکه تعلق بجهان دارد مردم عالم از جهت شرکت در ملیت های خودشان برادر محسوب نمیشوند بلکه از جهت اشتراك در انسانیت باهم برادر هستند، مقصود حقیقی زبان و ادبیات ایجاد افتراق نیست بلکه اینها وسیله اتحادند. من متأسفم که نمیتوانم با زبان خود شما بیاناتی بکنم ولی زبانی را برای ابراز نیات خود اختیار کرده ام که هم در کشور شما و هم در کشور من عزیز و محترم است یعنی زبان فرانسه جاویدان. مقصود من و مقصود شورای بریتانیا که من نماینده آن هستم این است که ادبیات انگلیس را مانند يك رقیبی برای ادبیات فرانسه که شما آنرا خوب میشناسید و دوست میدارید معرفی نمایم. قصد من فقط این است که این کتب تقدیمی ادبیات انگلیس را بشما بشناساند و شما بدانید که ادبیات انگلیس هم قرن هاست مثل ادبیات ایران و ادبیات ملت بزرگوار فرانسه که برادران ما و شما هستند يك منظور عالی را دنبال میکنند و آن ترقی بشر است از راه حریت و مساوات و اخوت و تقویت اندیشه. یکی از شعرای انگلیس موسوم به جان کیت میگوید:

من بهیچ چیز یقین ندارم مگر پیاکی و بی آلابشی احساسات دل و حقانیت
 قوه اندیشه، آنچه را که اندیشه زیبا میداند حتماً عین حقیقت است
 و در جای دیگر میگوید

زیبائی حقیقت است و حقیقت زیبائی است

این تنها چیزی است که شما درین عالم میدانید
و تنها چیزی است که باید بدانید .

اکنون ستاره در افق میدرخشد که هر قدر غبار و دود این سالهای خرابی و
ویرانی بر طرف میشود بیشتر آشکار میگردد و ما باید بدنیال آن روشنائی برویم . من
در نظر داشتم که چند ماه قبل از این کتابهای حاضر را بشما تقدیم نمایم ولی بر شما پوشیده
نیست که بمبهای دشمن که بقصد تخریب ابنیه قدیمه لندن افکنده میشد بکتاب
رحم نکرد . در یکشب از سال ۱۹۴۱ آتش چندین میلیون کتاب راطعمه خود ساخت
و این حریق بیشتر در مخازن چاپخانهها در پاتر نوستر راو و در کوچه های مجاور کلیسای
سن پول خسارت وارد آورد و اتفاقاً این نقاط نخستین جائی بوده اند که کتب شکسپیر
و میلتون و سایر مفاخر ادبی ما از آنجا بعالمیان عرضه شده است . ما آهسته ولی با اطمینان
بجبران و تدارک خسارات وارده پرداختیم آلات دهشتناکی که دشمن بکار میبرد عمارات
و کتب ما را ویران ساختند ولی نتوانستند ادبیات و افکار ما را از میان ببرند ادبیاتی که
بنا بر قول میلتون از این فکر بدیع منور و مزین شده است :

«مقصود ما ادامه حیات بعد از حیات است»

بنا بر همین مقصود است که من از آقای رئیس فرهنگستان و آقایان اعضاء
فرهنگستان ایران تقاضا میکنم که امروز بعنوان هدیه دوستانه و محبت صمیمانه این
کتب را قبول فرمایند .

رتال جامع علوم انسانی